

بررسی رابطه بین سبک زندگی و نگرش دینی با میزان گرایش به سمت مدگرایی دانشجویان

اکبر صالحی، * سعید رومانی **

چکیده

هدف اصلی این تحقیق، بررسی رابطه سبک زندگی و نگرش دینی با میزان گرایش به سمت مدگرایی دانشجویان کارشناسی دانشگاه پیام نور است. روش تحقیق، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه تحقیق شامل همه دانشجویان سال دوم، سوم و چهارم کارشناسی دانشگاه پیام نور خرم‌آباد به تعداد ۴۵۰۰ نفر و نمونه‌ای به حجم ۳۵۴ نفر است که با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب، از جامعه فوق انتخاب شده است. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های محقق ساخته سبک زندگی، مدگرایی و نگرش دینی استفاده شد. در این تحقیق از آزمون همبستگی پیرسون، تجزیه و تحلیل واریانس و رگرسیون گام‌به‌گام

* - استادیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی تهران.

salehidji2@yahoo.com

** - دانشجوی دکترای برنامه‌ریزی درسی دانشگاه خوارزمی.

sroomani56@gmail.com

تاریخ تأیید: ۱۳۹۴/۰۱/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۱۴



استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد بین نگرش دینی و سبک زندگی دانشجویان رابطه همبستگی قوی و مثبتی وجود دارد، به طوری که سطوح بالای نگرش دینی دانشجویان با سطوح بالای سبک زندگی و سطوح پایین نگرش دینی با سطوح پایین سبک زندگی همراه است. همچنین بین نگرش دینی و سبک زندگی با مدگرایی دانشجویان رابطه همبستگی قوی و منفی وجود دارد، به طوری که سطوح بالای نگرش دینی و سبک زندگی دانشجویان با سطوح پایین مدگرایی و سطوح پایین نگرش دینی و سبک زندگی دانشجویان با سطوح بالای مدگرایی آنان همراه است. همچنین مدگرایی دانشجویان سال چهارم نسبت به سال دوم و سوم کمتر است.

واژه‌های کلیدی

سبک زندگی، نگرش دینی، مدگرایی.

مقدمه

سبک زندگی روشی است که افراد در طول زندگی انتخاب کرده‌اند و زیربنای آن در خانواده پی‌ریزی می‌شود. این روش در واقع متأثر از فرهنگ، نژاد، مذهب، وضعیت اقتصادی، اجتماعی و باورها است. بر اساس تعریف سازمان بهداشت جهانی:

سبک زندگی به روش زندگی مردم با بازتابی کامل از ارزش‌های اجتماعی، طرز برخورد و فعالیت‌ها اشاره دارد. همچنین، ترکیبی از الگوهای رفتاری و عادت‌های فردی در سراسر زندگی (فعالیت بدنی، تغذیه، اعتیاد به الکل، دخانیات و ...) است که در پی فرایند اجتماعی شدن به وجود آمده است.

(استاگی، به نقل از فاونتولایکس ۲۰۰۸: ۴۹۵)

به عبارت دیگر، سبک زندگی عبارت است از: مشی کلی فرد به جهت رسیدن به اهداف و غلبه بر مشکلات. سبک زندگی هر فردی الگوی زندگی او است که در فعالیت‌ها، دلبستگی‌ها و افکار شخصی بروز می‌کند.

درواقع سبک زندگی چیزی بیش از شخصیت یا طبقه اجتماعی شخص است. به طور کلی سبک زندگی شامل الگوی کامل کنش و واکنش فرد در جهان است. (آتش‌پور و جنتیان، ۱۳۸۲: ۶۶)

دو نوع جهت‌گیری برای برخورداری از سبک زندگی مطلوب لازم است که شامل بایدها و نبایدهای مقبول در زندگی و شیوه‌های اجرا و محقق کردن آن است. جهت‌گیری اول، به طور غالب ارزشی و اخلاقی است و جهت‌گیری دوم، مبتنی بر ارزش‌های عملی است. اخلاق، جهت‌گیری‌های کلی زندگی و علوم انسانی، به ویژه روان‌شناسی، شیوه‌های رسیدن به آن را فرا راه انسان قرار می‌دهد. سبک زندگی از موضوعات بین‌رشته‌ای است. در دو علم اخلاق و روان‌شناسی، به هر دو بُعد روانی و جسمانی سبک زندگی توجه می‌شود. (هاشیمان‌فر و هاشمی ۱۳۹۲: ۱۷۶-۱۵۳)

آدلر در خصوص پدیدآمدن سبک زندگی بر این باور است که همه انسان‌ها، به نوعی احساس کهنتری مبتلا بوده و با روش خاصی درصدد برطرف کردن آن هستند. رویه منحصر به فرد برای جبران احساس کهنتری، سبک زندگی افراد را ایجاد می‌کند. (همان منبع، ۱۳۹۲) سبک زندگی افراد می‌تواند سالم یا ناسالم باشد که مطمئناً سبک زندگی سالم به ارتقای سلامت ذهنی، جسمی و عاطفی فرد کمک می‌کند؛ درحالی‌که سبک زندگی ناسالم اثر سوئی بر عناوین یادشده خواهد داشت. به اعتقاد کاسیدی:

افرادی که سبک زندگی ناسالم دارند، احساس درماندگی می‌کنند. آنان منبع کنترل بیرونی تری دارند، از حمایت اجتماعی و تحمل جسمانی کمتری

برخوردار هستند و تحریک‌پذیری بیشتری دارند؛ اما افراد با سبک زندگی سالم، شیوه‌های مقابله‌ای مثبت‌تری دارند. (کاسیدی،^۱ به نقل از یانگ مائو، ۲۰۰۷: ۱۰۰۸)

از مباحث بسیار مهمی که می‌تواند به سبک زندگی فرد جهت بخشیده و آن را شکل دهد، نگرش فرد است.

سبک زندگی فرد به شدت می‌تواند تحت تاثیر نگرش فرد قرار گیرد. (بلند همتیان، ۱۳۸۷: ۹۶)

نگرش‌ها دو نقش اصلی دارند. از سویی، به نسبت پایدارند؛ برای مثال، فرد بودن هر کس و اینکه او در تمامی عمر خویش همان است که هست، ناشی از همین نقش است. از سوی دیگر، نگرش‌ها می‌توانند دگرگون شوند؛ اما دگرگونی آن‌ها به نسبت کند و از طریق سازوکارهایی که بررسی پذیرند انجام می‌گیرد. بدین ترتیب، معلوم می‌شود چگونه فردی در حالی که همه عمرش خود را حفظ می‌کند، می‌تواند دگرگون شده و با وضعیت‌های اجتماعی و شرایط تازه زندگی منطبق شود. او می‌تواند در موقعیتی، عقیده‌ای و در موقعیتی دیگر عقیده‌ای متفاوت با آن داشته باشد.

به عبارت دیگر، در جامعه‌ای که به سرعت در حال تغییر است، افراد باید خود را با تغییر هماهنگ کنند و میان نگرش‌های عمیق خود و تغییرات سریع جامعه سازش پدید آورند؛ یعنی نسبت به موقعیتی آگاهی پیدا کرده و آن را بپذیرند. (بیات، ۱۳۸۱: ۴۴)

مهم‌ترین نوع نگرش که می‌تواند سبک و جهت زندگی فرد را به شدت تحت تاثیر قرار دهد، مذهب و نگرش دینی فرد است. نگرش دینی عبارت

1-Cassidy.

است از اعتقادات منسجم و یک پارچه توحیدی که خداوند را محور امور می‌داند و ارزش‌ها، اخلاقیات و آداب و رسوم و رفتارهای انسان را با یکدیگر و طبیعت را با خویشتن تنظیم می‌کند.

مذهب عبارت خواهد بود از تجربه و احساس رویدادهایی که برای هر انسانی در عالم تنهایی و دور از همه وابستگی‌ها روی می‌دهد. (براون، ۱۹۸۷؛ به نقل از خدایاری فرد، ۱۳۸۵: ۸۴)

در واقع، دین‌داری به معنای میزان التزام عملی ذهنی به باورهای دینی است. به عبارتی، میزان پیروان دین از آن و از زیرمجموعه‌های آن است. (کاوایی، ۱۳۸۷: ۷۹-۹۲)

امروزه بیش از هر زمان دیگر نیازمند تفکر در باب تأثیرگذاری تقیّدات دینی بر تمامی امور انسانی هستیم.

بسیاری از اندیشمندان و صاحب‌نظران بر این باورند که مذهب تأثیر انکارناپذیری بر تمامی ابعاد زندگی بشر دارد. (پورشهریاری، ۱۳۸۹: ۵۶)

داشتن معنا و هدف در زندگی، احساس تعلق داشتن به منبعی والا، امیدواری به یاری خداوند در شرایط مشکل‌زای زندگی، بهره‌مندی از حمایت‌های اجتماعی و معنوی و ... همگی از جمله اموری هستند که سبک زندگی افراد مذهبی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. (یانگ و مائو، ۲۰۰۷: ۱۰۰۸)

باور به اینکه خدایی هست که موقعیت‌ها را کنترل می‌کند و ناظر بر بندگان است، تا حد بسیاری، سبک و سیاق زندگی فرد را شکل می‌دهد.

به طوری که اغلب افراد مؤمن، ارتباط خود را با خداوند، مانند یک دوست بسیار صمیمی توصیف می‌کنند و معتقدند می‌توان از طریق اتکا و توسل به

خداوند، موقعیت‌های غیرقابل کنترل را به طریقی کنترل نمود. (فاونتولاکیس^۱

و همکاران، ۲۰۰۸: ۴۹۴)

دین و نگرش افراد نسبت به آن، به شدت بر تمامی ابعاد زندگی آن‌ها تاثیرگذار بوده و تعیین‌کننده سبک زندگی آن‌ها خواهد بود؛ اما آنچه هم می‌تواند به سبک زندگی افراد و هم به نگرش دینی فرد مربوط شود و از آن‌ها تاثیر بپذیرد، پدیده‌ای با عنوان مدگرایی است. به نظر می‌رسد مدگرایی از مقوله‌هایی است که می‌تواند تحت تاثیر سبک زندگی و نگرش دینی فرد تغییر یابد. مد یکی از شکل‌های رفتار جمعی است که بیشتر خاص جوامع مدرن و پست‌مدرن است.

با این وجود در جوامع سنتی نیز به علت گسسته‌شدن مرزهای کشورهای به واسطه ظهور تکنولوژی‌های ارتباطی چون ماهواره، اینترنت، رسانه‌ها و نیز مهاجرت افراد به کشورهای مختلف، رفته‌رفته الگوهای خاص از مصرف، رفتار و اندیشه رواج پیدا می‌کند که اغلب پر تغییر و در تضاد با ارزش‌های جوامع سنتی بوده و نوعی بحران هویت یا شکاف نسلی و نابرابری‌ها را بین افراد دنباله‌رو ایجاد می‌کند و نتیجه و کارکردی جز تجمل‌گرایی، اسراف، مصرفی‌کردن جامعه، احساس محرومیت بیشتر برای قشر ضعیف، بدحجابی و رواج فرهنگ و اندیشه‌های غیرایرانی و اسلامی در کشور ندارد. (ایپیکجی، ۱۳۸۶: ۴۷)

مدها همیشه برای ذائقه و سلیقه طبقات مرفه جامعه طراحی می‌شود و اولین کسانی که از مدها برای متمایز شدن استفاده می‌کنند، طبقات مرفه جامعه هستند.

1-Fountoulakis.

حال، طبقات ضعیف‌تر جامعه که اکثراً نیم‌نگاهی به نوع و شیوه زندگی آن‌ها دارند، در جهت هم‌رنگی با آن‌ها حرکت کرده و با پیروی کردن از نوع زندگی آن‌ها، سعی در از بین بردن این فاصله‌ها دارند و در این مرحله، یعنی وقتی آن مد و شیوه خاص همه‌گیر شد، جذابیت خود را از دست داده و ارزش آن به سرعت نزد طبقه مرفه‌تر تنزل پیدا می‌کند و به سمت مدل‌های جدیدی می‌روند و این چرخه همچنان ادامه پیدا می‌کند. (ایپکجی، ۱۳۸۶: ۴۹)

سرمایه‌داری از راه فرایند جهانی‌سازی و با کمک فن‌آوری و از طریق رسانه‌های جمعی، کالاها و ایده‌ها را با استفاده از ابزار تبلیغات به مردم عرضه و آن‌ها را مجبور به استفاده از کالاها و ایده‌های جدید می‌کند و جهان را به جهان مصرف تبدیل می‌نماید؛ جهانی که در آن آدمی انسان بودن و هویت خویش را با مصرف تعریف می‌کند. این عامل باعث نوعی بحران هویت و تضاد فرهنگی در کشورها به خصوص کشورهای جهان سوم شده است که نگرانی دولت‌مردان بسیاری از کشورها از جمله ایران را دربرداشته و آن را به مسئله‌ای اجتماعی و فرهنگی کاملاً مهم تبدیل کرده است. (سبحانی، ۱۳۸۷)

در این پژوهش برانیم تا میزان رابطه بین سبک زندگی و نگرش دینی افراد با میزان گرایش آن‌ها به سمت مدگرایی را بسنجیم. فرض بر این است که سبک زندگی و نوع نگرش دینی فرد با میزان مدگرایی رابطه مستقیم و معناداری دارد.

فرضیه اول: بین نگرش دینی و سبک زندگی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین نگرش دینی و مدگرایی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین سبک زندگی و مدگرایی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: نگرش دینی دانشجویان نقش مؤثری در پیش‌بینی مدگرایی آنان دارد.

فرضیه پنجم: سبک زندگی دانشجویان نقش مؤثری در پیش‌بینی مدگرایی آنان دارد.

فرضیه ششم: بین میانگین نمره مدگرایی دانشجویان سال دوم، سوم و چهارم تفاوت معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی

منظور از انتخاب روش انجام تحقیق، اینکه مشخص شود، چه روش تحقیقی برای بررسی موضوع خاصی لازم است. روش تحقیق، مناسب با اهداف و ماهیت موضوع پژوهش و امکانات اجرایی آن همگونی دارد.

هدف از انتخاب روش تحقیق آن است که محقق با انتخاب روش مناسب، به صورت دقیق‌تر، آسان‌تر، سریع‌تر و ارزان‌تر به سوال‌های تحقیق مدنظر پاسخ دهد و بر اساس ماهیت موضوع، اهداف مدنظر پژوهش، فرضیه‌های تدوین‌شده، ملاحظات اخلاقی و انسانی ناظر بر موضوع تحقیق و وسعت امکانات اجرایی، روش تحقیقی متناسب با تحقیق را انتخاب نماید. (نادری و سیف نراقی، ۱۳۹۱: ۶۵)

این تحقیق در پی بررسی رابطه بین سبک زندگی و نگرش دینی با میزان گرایش به سمت مدگرایی دانشجویان است؛ بنابراین روش تحقیق مناسب در پژوهش حاضر، روش همبستگی است. (نادری و سیف نراقی، ۱۳۹۱)

جامعه پژوهشی عبارت است از مجموعه‌ای از افراد یا اشیا که دارای ویژگی‌های همگون و قابل اندازه‌گیری هستند.

نمونه عبارت است از مجموعه‌ای از نشانه‌ها که از یک قسمت، یک گروه یا جامعه‌ای بزرگ‌تر انتخاب می‌شود، به گونه‌ای که این مجموعه معرف کیفیات و ویژگی‌های آن قسمت، گروه یا جامعه بزرگتر باشد. (نادری و سیف نراقی، ۱۳۹۱: ۱۶۳)

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دانشجویان کارشناسی سال دوم و سوم و چهارم دانشگاه پیام نور، واحد خرم‌آباد در سال ۱۳۹۳ است. طبق آمار ارائه شده توسط واحد آموزش دانشگاه، تعداد آن‌ها حدود ۴۵۰۰ نفر است. تعداد ۳۵۴ نفر از دانشجویان بر اساس جدول مورگان و به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شدند.

در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات موردنیاز، از سه پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. پرسشنامه‌ها بر اساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت از ۱ به معنای بسیار مخالفم تا ۵ به معنای بسیار موافقم تنظیم شده است.

۱- پرسشنامه نگرش دینی: برای سنجش متغیر نگرش دینی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. این پرسشنامه حاوی ۲۰ سؤال است. پایایی این پرسشنامه از طریق ضریب آلفای کرانباخ محاسبه شد که مقدار آن برابر با ۰/۷۹ بود.

۲- پرسشنامه سبک زندگی: برای سبک زندگی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. این پرسشنامه حاوی ۲۰ سؤال است. پایایی این پرسشنامه نیز از طریق ضریب آلفای کرانباخ محاسبه شد که مقدار آن برابر با ۰/۸۱ بود.

۳- پرسشنامه میزان مدگرایی: برای سنجش مدگرایی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. این پرسشنامه حاوی ۲۰ سؤال است. پایایی این

پرسشنامه نیز از طریق ضریب آلفای کرانباخ محاسبه شد که مقدار آن برابر با ۰/۸۶ بود.

یافته‌ها

جدول ۱: آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مدگرایی، سبک زندگی و نگرش دینی

	انحراف معیار	میانگین	
۳۴۲	۱۷/۹۶	۴۸/۰۴	مدگرایی
۳۴۲	۱۶/۲۶	۶۹/۶۱	سبک زندگی
۳۴۲	۲۰/۲۹	۱۱۲/۹	نگرش دینی

فرضیه اول: بین نگرش دینی و سبک زندگی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

داده‌های حاصل از جدول (۲) نشان داد که ضریب همبستگی بین نگرش دینی و سبک زندگی برابر با ۰/۸۹ است که برای این ضریب همبستگی، سطح معناداری برابر با ۰/۰۰۱ ارائه کرده است. این نتایج حاکی از آن است که بین نگرش دینی و سبک زندگی دانشجویان رابطه همبستگی قوی و مثبتی وجود دارد که با احتمال ۰/۹۹ اطمینان می‌توان گفت این رابطه از لحاظ آماری معنادار است؛ به طوری که سطوح بالای نگرش دینی دانشجویان با سطوح بالای سبک زندگی و سطوح پایین نگرش دینی با سطوح پایین سبک زندگی همراه بوده است. به عبارت دیگر دانشجویانی که از نگرش دینی بالایی برخوردار بودند، سبک زندگی مثبتی داشتند و دانشجویانی که نگرش دینی پایین تری داشتند به سبک زندگی منفی دچار بودند، لذا فرضیه بالا تأیید می‌شود.

جدول ۲: ضریب همبستگی بین متغیرهای مدگرایی، سبک زندگی و نگرش دینی

رابطه	ضریب همبستگی	سطح معناداری
نگرش دینی - مدگرایی	-۰/۷۲	۰/۰۰۱
سبک زندگی - مدگرایی	-۰/۶۸	۰/۰۰۱
نگرش دینی - سبک زندگی	۰/۸۹	۰/۰۰۱

فرضیه دوم: بین نگرش دینی و مدگرایی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

داده‌های حاصل از جدول (۲) نشان داد که ضریب همبستگی بین نگرش دینی و مدگرایی دانشجویان برابر با $-۰/۷۲$ است که برای این ضریب همبستگی، سطح معناداری برابر با $۰/۰۰۱$ ارائه کرده است. این نتایج حاکی از آن است که بین نگرش دینی و مدگرایی دانشجویان رابطه همبستگی قوی و منفی وجود دارد که با احتمال $۰/۹۹$ اطمینان می‌توان گفت این رابطه از لحاظ آماری معنادار است، به طوری که سطوح بالای نگرش دینی دانشجویان با سطوح پایین مدگرایی و سطوح پایین نگرش دینی دانشجویان با سطوح بالای مدگرایی آنان همراه بوده است، لذا فرضیه بالا تأیید می‌شود.

فرضیه سوم: بین سبک زندگی و مدگرایی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

داده‌های حاصل از جدول (۲) نشان داد که ضریب همبستگی بین سبک زندگی و مدگرایی دانشجویان برابر با $-۰/۶۸$ است که برای این ضریب همبستگی، سطح معناداری برابر با $۰/۰۰۱$ ارائه کرده است. این نتایج حاکی از

آن است که بین سبک زندگی و مدگرایی دانشجویان رابطه همبستگی قوی و منفی وجود دارد که با احتمال ۰/۹۹ اطمینان می‌توان گفت این رابطه از لحاظ آماری معنادار است، به طوری که سطوح سبک زندگی مثبت دانشجویان با سطوح پایین مدگرایی و سبک زندگی منفی دانشجویان با سطوح بالای مدگرایی آنان همراه بوده است، لذا فرضیه بالا تأیید می‌شود.

فرضیه چهارم: نگرش دینی دانشجویان نقش مؤثری در پیش‌بینی مدگرایی آنان دارد.

همان‌طور که از داده‌های جدول (۳) که نتایج آزمون رگرسیون چندگانه است، پیداست ۰/۵۴ واریانس مدگرایی به وسیله عامل نگرش دینی تبیین می‌شود. عامل نگرش دینی با ضریب بتای ۰/۵۹- به صورت منفی سهمی معنادار در پیش‌بینی میزان مدگرایی دانشجویان دارد. با توجه به اینکه سطح معناداری ارائه شده برابر با ۰/۰۰۱ و کمتر از نقطه برش ۰/۰۵ است، می‌توان گفت با اطمینان ۰/۹۹ نگرش دینی نقش به‌سزایی در پیش‌بینی میزان مدگرایی دانشجویان دارد و از لحاظ آماری معنادار است، لذا این فرضیه تأیید می‌شود.

جدول ۳: ضریب رگرسیون چندگانه برای پیش‌بینی تغییرات مدگرایی با استفاده از تغییرات نگرش دینی و سبک زندگی

شاخص	ضریب رگرسیون	ضریب تعیین	F	سطح معنی داری	ضریب تأثیر	ضریب تأثیر استاندارد شده (β)	t	P
نگرش دینی	۰/۷۳	۰/۵۴	۱۹/۱۶	۰/۰۰۰	-۰/۵۲	-۰/۵۹	-۶/۵۸	۰/۰۰۱
سبک زندگی	۰/۷۳	۰/۵۴	۱۹/۱۶	۰/۰۰۰	-۰/۱۷	-۰/۱۵	-۱/۷۳	۰/۰۸

فرضیه پنجم: سبک زندگی دانشجویان نقش مؤثری در پیش بینی مدگرایی آنان دارد.

همان‌طور که از داده‌های جدول (۳) که نتایج آزمون رگرسیون چندگانه است، پیداست $0/54$ واریانس مدگرایی به وسیله عامل سبک زندگی تبیین می‌شود. عامل سبک زندگی با ضریب بتای $0/15$ - به صورت منفی سهمی معنادار در پیش بینی میزان مدگرایی دانشجویان دارد. با توجه به اینکه سطح معناداری ارائه شده برابر با $0/08$ و بزرگ‌تر از نقطه برش $0/05$ است، می‌توان گفت سبک زندگی نقش به‌سزایی در پیش‌بینی میزان مدگرایی دانشجویان ندارد و از لحاظ آماری معنادار نیست، لذا این فرضیه رد می‌شود.

فرضیه ششم: بین میانگین نمره مدگرایی دانشجویان سال دوم، سوم و چهارم تفاوت معناداری وجود دارد. برای آزمون این فرض، از آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه استفاده شد. همان‌طور که از داده‌های جدول (۴ و ۵) پیداست می‌توان در سطح اطمینان $0/99$ ادعا کرد که تفاوت معناداری بین میانگین نمره‌های مدگرایی دانشجویان سال دوم، سوم و چهارم وجود دارد. داده‌های جدول زیر فقط گویای وجود تفاوتی معنادار بین دانشجویان سال دوم، سوم و چهارم است؛ اما به ما این اطلاعات را نمی‌دهد که کدام گروه‌ها با هم تفاوت دارند. برای پی بردن به این مسئله که محل واقعی تفاوت بین گروه‌ها کجاست، باید به نتایج آزمون دانکن مراجعه کرد. نتایج این آزمون حاکی از آن بود که تفاوت بین میانگین نمره مدگرایی دانشجویان سال دوم و سوم ناچیز است و در واقع گروهی که از بقیه گروه‌ها متفاوت است، دانشجویان سال چهارم هستند. آن‌گونه که از داده‌های جدول (۶) پیداست میانگین مدگرایی دانشجویان سال چهارم برابر با $37/28$ بوده که به میزان درخور توجهی کمتر از دانشجویان سال

دوم و سوم است؛ اما اختلاف میانگین دانشجویان سال دوم و سوم ناچیز است، بنابراین این فرضیه نیز تأیید می‌شود.

جدول ۴: میانگین و انحراف استاندارد مدگرایی دانشجویان کارشناسی سال دوم، سوم و چهارم

سال چهارم		سال سوم		سال دوم		تحصیلات متغیر
SD	M	SD	M	SD	M	
۱۱/۶۱	۳۷/۲۸	۱۴/۹۴	۴۸/۶۴	۲۱/۱۶	۵۰/۶۸	مدگرایی

جدول ۵: خلاصه تحلیل واریانس یک‌راهه برای مدگرایی

F	MS	SS	df	منبع
۹/۵۸***	۲۹۴۷/۶	۵۸۹۵	۲	بین گروهی
	۲۹۹/۳۲	۱۰۱۷۶۹	۳۴۰	درون گروهی
		۱۰۷۶۶۵	۳۴۲	کل

$P < 0/01^{**}$

جدول (۶): آزمون دانکن برای مدگرایی

alpha= 0/05		تعداد	تحصیلات
۲	۱		
	۳۷/۲۸	۹۶	سال چهارم
۴۸/۶۴		۱۳۲	سال سوم
۵۰/۶۸		۱۱۴	سال دوم
۰/۴۶۳	۱/۰۰۰		سطح معنی داری

نتیجه گیری

مهم ترین نوع نگرش که می تواند سبک و جهت زندگی فرد را به شدت تحت تاثیر قرار دهد، مذهب و نگرش دینی فرد است. نگرش دینی عبارت است از اعتقادات منسجم و یک پارچه توحیدی که خداوند را محور امور دانسته و ارزش ها، اخلاقیات و آداب و رسوم و رفتارهای انسان را با یکدیگر و طبیعت را با خویشتن تنظیم می کند. مذهب عبارت خواهد بود از تجربه و احساس رویدادهایی که برای هر انسانی در عالم تنهایی و دور از همه وابستگی ها روی می دهد. (براون، ۱۹۸۷؛ به نقل از خدایاری فرد، ۱۳۸۵: ۸۴) در واقع دین داری به معنای میزان التزام عملی به باورهای دینی است. (کاویانی، ۱۳۸۷: ۹۲-۷۹).

امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند تفکر و اندیشه در باب تأثیرگذاری تقییدات دینی بر تمامی امور انسانی هستیم. بسیاری از اندیشمندان و صاحب نظران بر این باورند که مذهب تأثیر انکارناپذیری بر تمامی ابعاد زندگی بشر دارد. (پورشهریاری، ۱۳۸۹: ۵۶) داشتن معنا و هدف در زندگی، احساس تعلق به منبعی والا، امیدواری به یاری خداوند در شرایط مشکل زای زندگی، بهره مندی از حمایت های اجتماعی و معنوی و ... همگی از جمله اموری هستند که سبک زندگی افراد مذهبی را به شدت تحت تاثیر قرار می دهند. (یانگ و مائو،^۱ ۲۰۰۷: ۱۰۰۸) باور به اینکه خدایی هست که موقعیت ها را کنترل می کند و ناظر بر بندگان است، تا حد بسیاری، سبک زندگی فرد را شکل می دهد، به طوری که اغلب افراد مؤمن، ارتباط خود را با خداوند، مانند دوستی بسیار صمیمی توصیف می کنند و معتقدند می توان از طریق اتکا و توسل به

خداوند، موقعیت‌های کنترل‌ناپذیر را به طریقی کنترل کرد. (فاونتولاکیس^۱ و همکاران، ۲۰۰۸: ۴۹۶-۴۹۳) دین و نگرش افراد نسبت به آن به شدت بر تمامی ابعاد زندگی آن‌ها تاثیرگذار است و تعیین‌کننده سبک زندگی آن‌ها خواهد بود؛ اما آنچه هم می‌تواند به سبک زندگی افراد و هم به نگرش دینی فرد مربوط بوده و از آن‌ها تاثیر بپذیرد، پدیده‌ای با عنوان مدگرایی است. به نظر می‌رسد مدگرایی از مقوله‌هایی است که می‌تواند تحت تاثیر سبک زندگی و نگرش دینی فرد تغییر یابد. در این مطالعه از همین مسئله بررسی و آزمون گرفته شد که نتایج آن به شرح زیر است:

بین نگرش دینی و سبک زندگی دانشجویان رابطه همبستگی قوی و مثبتی وجود دارد، به طوری که سطوح بالای نگرش دینی دانشجویان با سطوح بالای سبک زندگی و سطوح پایین نگرش دینی با سطوح پایین سبک زندگی همراه است. این نتیجه نتایج ایپکچی (۱۳۸۶)، فاونتولاکسن (۲۰۰۸) و یانگ و مائو (۲۰۰۷) را تایید می‌کند. همچنین بین نگرش دینی و سبک زندگی با مدگرایی دانشجویان رابطه همبستگی قوی و منفی وجود دارد به طوری که سطوح بالای نگرش دینی و سبک زندگی دانشجویان با سطوح پایین مدگرایی و سطوح پایین نگرش دینی و سبک زندگی دانشجویان با سطوح بالای مدگرایی آنان همراه است. این نتیجه نتایج ایپکچی (۱۳۸۶)، فاونتولاکسن (۲۰۰۸) و یانگ و مائو (۲۰۰۷) را تایید می‌کند. همچنین مدگرایی دانشجویان سال چهارم نسبت به سال دوم و سوم کمتر است؛ بنابراین پیشنهادهایی در راستای بهبود زندگی و سبک زندگی به شرح زیر ارائه می‌شود:

1-Fountoulakis.

- آشنا کردن هرچه بیشتر دانشجویان با آموزه‌های دین اسلام؛
- تبلیغ و ترویج هرچه بیشتر الگوهای متناسب با عرف اجتماعی و
اسلامی جامعه؛
- برگزاری کلاس‌های آموزشی در جهت تقویت سطح آگاهی و
مطلوب کردن سبک زندگی به منظور شناخت بیشتر خود و داشتن معنا و
زندگی پربار و سالم.

منابع

۱. آتش‌پور، سیدحمید. جنتیان، سمیرا، ۱۳۸۲، *روانشناسی رفتار مصرف‌کننده*، تهران: روزآمد.
۲. اتکینسون، ریتا، ۱۳۷۵، *زمینه روانشناسی*، ترجمه محمدتقی براهنی و همکاران، ج ۱، تهران: رشد.
۳. انوری، حسن، ۱۳۸۲، *فرهنگ فشرده سخن*، تهران: سخن.
۴. اییکچی، مرجان، ۱۳۸۶-۱۳۸۵، «بررسی ارتباط بین دلدزدگی زناشویی با ویژگی‌های شخصیتی و عمل به باورهای دینی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم تحقیقات تهران.
۵. بلند همتان، کیوان، ۱۳۸۷، «زمینه‌های نظری و عملی در تربیت دینی بر مبنای فلسفه دینی ویلیام جیمز»، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت معلم تهران.
۶. بیات، عبدالرسول و همکاران، ۱۳۸۱، *درآمدی بر مکاتب و اندیشه‌های معاصر فرهنگ واژه‌ها*، تهران: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
۷. پورشهریاری، فریدون، ۱۳۸۹، *پوشاک در ایران باستان*، ترجمه هاجر ضیاء سیکارودی، تهران: امیرکبیر.
۸. خدایاری فرد، محمد، ۱۳۸۵، *آماده‌سازی و هنجاریابی مقیاس سنجش دین‌داری در جامعه دانشجویی کشور*.
۹. سبحانی، جعفر؛ محمدرضایی، محمد، ۱۳۸۷، *اندیشه اسلامی ۲*، قم: دفتر نشر معارف.
۱۰. هاشمیان‌فر، سیدعلی و هاشمی، مولود، ۱۳۹۲، «بررسی عوامل عرفی شدن دین در سبک زندگی جوانان شهر اصفهان (با تاکید بر نظریه عرفی شدن)»، *فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی*، بهار ۱۳۹۲، ش ۴۹.
۱۱. محمدرضایی، محمد، ۱۳۸۳، «نقد عقل و اعتقاد دینی»، *قبسات*، ش ۲۳.

۱۲. مصفا، محمدجعفر، ۱۳۸۶، *انسان در اسارت فکر*، تهران: پریشان.
۱۳. ویلن، تورستاین، ۱۳۸۳، *نظریه طبقه مرفه*، ترجمه فرهنگ و ارشاد، تهران: نی.
۱۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲، *مسئله حجاب*، ج ۶، تهران: صدرا.
۱۵. کاویانی، محمد، ۱۳۸۷، «تربیت اسلامی، گذر از اهداف کلی به اهداف رفتاری»، *یژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم*، ش ۳.
۱۶. نادری، عزت‌الله و سیف نراقی، مریم، ۱۳۹۱، *روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن*، تهران: بدر.

17. Fountoulakis, Konstantinos N, Siamouli, Melina, MagiriaStamatia, Kaprinis George, 2008, late-life depression, religiosity, cerebrovascular disease, cognitive impairment and attitudes towards death in the elderly, interpreting the data.

Medical Hypotheses.70, 493–496

18. Yang, Ke-Ping, Mao, Xiu-Ying, 2007, A study of nurses' spiritual intelligence: A cross-sectional questionnaire survey, International Journal of Nursing Studies 44, 999–1010